سرمقاله

حکومت باید به نیازمندی های مردم پاسخگو باشد

حفیظ الله زکی

نتایج امتحان کانکور سال گذشته در حالی اعلام می شود که میزان اشتراک کنندگان کانکور در سال ۹۴ نسبت به سال های گذشته تا حدی زیادی کاهش یافته است. سال گذشته حدود دو صد و بیست هزار نفر در امتحان کانکور اشتراک کرده بودند؛ اما امسال این تعداد به یکصدو هفتادو نه هزار نفر کاهش پیداکرد که از این تعداد صدو پنجاه و هفت هزار نفر قبول شده اند. بر اساس اعلام وزارت تحصیلات عالی کشور در امتحان امسال حدود ۱۰۴ هزار نفر به مراکز آموزش عالی و نیمه عالی این کشور راه یافته‌اندکه از این تعداد، بیش از ۵۸ هزار نفر به مراکز آموزش عالی این کشور راه یافته‌اند و حدود ۴۷ هزار نفر نیز به مراکز آموزش نیمه عالی قبول شده‌اند. به گفته وزیر تحصیلات عالی، مراکز آموزش عالی خصوصی افغانستان پذیرفته‌اند که ۵۱ هزار نفر را با شهریه کمتر و با تخفیف بپذیرند.

مهاجرت جوانان به کشورهای خارجی یکی از عمده ترین دلیل کاهش اشتراک کنندگان در امتحانات کانکور امسال دانسته می شود. حکومت وحدت ملی در دو سال گذشته نتوانست به وعده های شان در زمان انتخابات جامه عمل بپوشاند و علاوه بر تأمین امنیت قابل قبول، در زندگی مردم تغییر مثبت به وجود آورد.

پس از خروج نیروهای خارجی و برگزاری انتخابات جنجالی و سوال برانگیز، از یک طرف دشمنان و گروه های هراس افگن فرصت یافتند تا پایگاههای خود را در مناطق و ولایات مختلف کشور ایجاد و مستحکمتر سازند و از سوی دیگر سبب فرار سرمایه از کشور گردید و بازار کار و بار مردم را با رکود بی سابقه مواجه کرد.

بیکاری و ناامیدی تنها مربوط مردم عادی و قشر کارگران معمولی نیستند؛ بلکه قشر تحصیلکرده و فارغین دانشگاهها و مؤسسات تحصیلات عالی را نیز تحت تأثیر قرار دادند. به همین دلیل در سال گذشته موج جدیدی از مهاجرت به کشورهای اروپایی راه افتاد و بسیاری از دانش آموزان مکاتب بجای ادامه درس، رفتن به کشورهای خارج را ترجیح دادند.

اکنون مسأله مهاجرت و جستجوی راه حل برای آن به یک چالش برای حکومت افغانستان و کشورهای مهاجر پذیر تبدیل شده است. کشورهای اروپایی تلاش می کنند تا با وعده کمک، حکومت افغانستان را قانع بسازد تا با اخراج آندسته از پناهجویانی که درخواست پناهندگی شان در کشورهای اروپایی رد شده اند، موافقت کند. هفته قبل نیز رییس جمهور در اظهاراتش نسبت به مهاجران افغانستانی همه مردم را شگفت زده کرد.

باید توجه داشت که مردم افغانستان امروز در وضعیت بسیاراسفبار سیاسی و اقتصادی به سر می برند. عدالت و برابری در دستگاههای رسمی کشور رعایت نمی شود و تبعیض و ناروایی بر اساس تعلقات مذهبی، قومی، سمتی و گروهی به صورت یک نورم و هنجار در ادارات دولتی و مراکز تصمیمات مهم دولتی مد نظر گرفته می شود. علاوه بر این که مردم در هیچ جای کشور احساس امنیت نمی کنند و همه روزه در شهرها، ولسوالی ها، و شاهراه ها تعدادی زیادی یا کشته و یا به گروگان گرفته می شوند، بازار کار و فعالیت های اقتصادی نیز با رکود مواجه شده و برای مردم عادی امکان تهیه مایحتاج اولیه و ضروری شان باقی نمانده است. عامل همه این نابسامانی ها نه مردم؛ بلکه کارگزاران حکومتی اند. آنهایی که در حکومت قبلی کار می کردند و آنهایی که در حکومت وحدت ملی قرار دارند. فساد گسترده که سبب بسیاری از ناکامی ها گردیده بود، انتظار می رفت که با روی کار آمدن حکومت جدید مهار گردد؛ اما حکومت نه تنها با تبعیض، بی عدالتی و فساد مقابله نکرد که به صورت بی رویه و مهار گسیخته زمینه افزایش آن را فراهم کرد.

مجموع ناکامی ها و ناکارآمدی های حکومت سبب یأس و ناامیدی مطلق مردم نسبت به آینده کشور گردیده و مردم و بخصوص جوانان را به پذیرش سختی ها و خطرهای مهاجرت و ترک تحصیل وادار کرده است. حکومت باید به این مشکلات مردم توجه کرده و در زمینه های مشارکت عادلانه مردم در ساختارهای اداری، رفع تبعیض، ایجاد اشتغال و مهار فساد، برنامه های فوری و مؤثری را روی دست گیرد.

گفتگو با حکومت پاکستان راهی برای دستیابی به صلح

رحیم حمیدی

روزهای پایانی ماه فبروری ۲۰۱۶ آخرین دور گفتگوهای چهار جانبه میان افغانستان، پاکستان، ایالات متحده آمریکا و چین در کابل برگزار شد. در پایان این نشست روزهای نخست ماه مارچ به عنوان آغاز گفتگوی صلح میان حکومت و گروه های مخالف مسلح دولت تعیین شد. ماه مارچ به پایان رسید اما گفتگوی رو در رو با گروه های مخالف مسلح دولت صورت نگرفت.

چند روز پیش، حکمت خلیل کرزی، معاون وزارت امور خارجه گفت که گفتگوی صلح به بن بست رسیده است و پاکستان نقش خود را بازی ننموده است. در همین حال، عمر داود زی، وزیر داخله دوران حامد کرزی و سفیر پیشین افغانستان در اسلام آباد گفته است که پاکستان به دنبال منافع خود است و به روند گفتگوی صلح کمک نمی کند. او همچنین گفته است که پاکستان خواسته‌های دارد که حکومت افغانستان قادر به برآورده کردن آن نیست. او مصداق ها و موارد خواسته ها و مطالبات پاکستان را مشخص نخواست اما حامد کرزی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان به رسمیت شناختن خط دیورند را یکی از مطالبات پاکستان دانسته است.

گفتگوی صلح در حالی به بن بست رسیده است که مقامات پاکستان برای اولین بار گفته است که رهبران و خانواده گروه طالبان در پاکستان زندگی می کند و از خدمات صحی این کشور استفاده می کند. این اظهارات امیدواری های زیادی را خلق کرد و انتظار می رفت که این بار پاکستان صادقانه در روند گفتگوی صلح نقش بازی کند و گروه طالبان را حاضر به گفتگوی رو در رو با حکومت افغانستان نماید. چند روز بعد از اظهارات مقامات پاکستانی گروه طالبان با انتشار خبرنامه‌ای بیان داشتند که در روند گفتگوی مستقیم صلح شرکت نمی کند. اظهارات گروه طالبان در مورد شرکت نکردن در روند گفتگوی صلح بعد از اظهارات مقامات پاکستان مبنی بر حضور رهبران و خانواده گروه طالبان در پاکستان نشانگر این امر بود که حکومت پاکستان نفوذی بر گروه طالبان ندارد و این گروه مستقلانه عمل می کند. این بازی بود که پاکستان به راه انداخت و وقتی که به خواسته ها و مطالبات خود دست نیافت بازی را خاتمه بخشید.

مطالعه روند شکل گیری گروه طالبان در افغانستان، اقدامات آن ها و قدرت گیری آن ها نشان می دهد که پاکستان از همان اول نفوذ چشمگیری بر آن ها داشته است. زمانی که گروه طالبان قدرت سیاسی را به دست گرفته بود و امارت اسلامی را تشکیل داده بود، مشروعیت بین المللی نیافت و اما پاکستان و عربستان دو کشوری بود که این حکومت گروه طالبان را به رسمیت شناخته بود. این کشور برای مشروعیت بین المللی گروه طالبان تلاش می کرد. حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان و در پی آن سقوط امارت اسلامی طالبان روابط این گروه با پاکستان دگرگون شد. پاکستان در ظاهر امر خود را یکی از همپیمانان آمریکا برای مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی معرفی نمود. اما واضح بود که آن ها روابط خود را با گروه طالبان حفظ کرده بودند. رهبر شبکه القاعده در ایبت آباد پاکستان و در نزدیکی پایگاه نظامی ارتش پاکستان کشته شد. رهبر گروه طالبان در شهر کراچی پاکستان مرد. این موارد نشان می دهد که پاکستان رفتار دوگانه با جامعه جهانی و حکومت افغانستان داشته است. میلیارد ها دالر برای مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی از جامعه جهانی و به خصوص ایالات متحده آمریکا دریافت نموده است اما در عمل با گروه های دهشت افکن در خاک افغانستان روابط داشته است و از آن ها حمایت می نموده است. کشته شدن بن لادن، رهبر شبکه القاعده در پاکستان، مردن رهبر گروه طالبان در شهر کراچی پاکستان، ادعای مقامات پاکستانی مبنی بر وجود رهبران گروه طالبان و خانواده آن ها در پاکستان فرصت تحت فشار قرار دادن پاکستان را فراهم کرده بود اما به نظر می رسد که دیپلماسی افغانی توانایی و ظرفیت آن را ندارد تا آمریکا را متقاعد سازد که فشار بیشتری بر پاکستان وارد نماید. در عین حال، جامعه جهانی و ایالات متحده آمریکا نیز چشم های خود را بر واقعیت بسته است و یا اینکه اراده کافی برای مبارزه و سرکوب گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان ندارد. به همین خاطر، در سال های متمادی گذاشته است که پاکستان رفتار دوگانه داشته باشد.

به بن بست رسیدن گفتگوی صلح از همان اول روشن بود. زیرا، مشکلات و چالش های که حکومت افغانستان با پاکستان دارد و همچنین نفوذ هند در افغانستان از مهمترین و اساسی ترین نگرانی های پاکستان است. از آغاز شکل گیری پاکستان؛ افغانستان ادعای بخش از خاک کنونی پاکستان را داشته است. این مشکل تا کنون حل نگردیده است. پاکستان به همین خاطر، هیچ گاه نخواهد گذاشت که یک حکومت قدرتمند در کابل شکل گیرد. زیرا، شکل گیری حکومت قدرتمند باعث می شود که طرف افغانی ادعای خود را به صورت جدی دنبال نماید. تا زمانی که مشکلات مرزی میان دو طرف حل نشود، بدون شک، پاکستان از گروه های مخالف مسلح دولت افغانستان حمایت خواهد کرد. پاکستان با حمایت خود از گروه های مخالف مسلح دولت هزینه‌های زیادی پرداخته است اما، آن ها همچنان به حمایت خود ادامه می دهد. زیرا، اولویت اساسی و درجه یک حفظ قلمرو و سرزمین شان است.

پاکستان و هند برای سال های متمادی همدیگر را دشمن می پنداشتند. اکنون اگر چه روابط و مناسبات میان این دو کشور به صورت عادی آن جریان دارد اما در واقع امر، آن ها منتظر فرصت برای ضربه زدن به همدیگر هستند. نظامیان و سربازان این دو کشور در دو طرف مرز در حالت آماده باش قرار دارند. پس از حملات یازدهم سپتامبر هند نفوذ چشمگیری در افغانستان پیدا کرد. روابط هند و افغانستان در عرصه مختلف گسترش یافت. دقیقا همین مسئله منجر شد که پاکستان نگران شود. زیرا، پاکستان چنین می پندارد که گسترش نفوذ هند در افغانستان به معنی محاصره سیاسی این کشور از سوی هند است. به همین خاطر، پاکستان نگران است. بنابراین، مطالبات پاکستان تا حدودی مشخص و روشن است. به رسمیت شناخته شدن خط دیورند به عنوان خط مرزی میان دو کشور و کاهش نفوذ هند در افغانستان و قلع و قمع کردن گروه های مخالف پاکستان در درون حکومت افغانستان. این خواسته های است که پاکستان از حکومت افغانستان دارد.

در وضعیت کنونی این مطالبات خارج از توانایی حکومت افغانستان است. حکومت اگر خط دیورند را به رسمیت بشناسد از سوی شماری از افغانها تحت فشار قرار می گیرد. در عین حال، برای کاهش نفوذ هند در افغانستان تضمین وجود ندارد که پاکستان دست از حمایت گروه های مخالف مسلح دولت بر دارد. در هر صورت، حکومت افغانستان به جای گفتگو با گروه طالبان که ابزار دست حکومت پاکستان است لازم است که با حکومت پاکستان گفتگو نماید و مشکل خود را با این کشور حل نماید. تا زمانی که مشکلات مرزی میان این دو کشور حل نگردد، گفتگوی صلح هیچ گاه به نتیجه نخواهد رسید.

تماشای فوتبال؛ بهانه ی برای شاد بودن!

مهدی مدبر

شنبه شب در چارچوب بازی های لیگ فوتبال اسپانیا دو تیم قدرتمند بارسلونا و رئال مادرید بازی داشتند. بازی این دو تیم معروف به « الکلاسیکو» است. الکلاسیکو پربیننده ترین بازی فوتبال باشگاهی در تمام دنیا است و صدها میلیون نفر در سراسر جهان در شب مسابقه الکلاسیکو چشم شان به یکی از ورزشگاههای« نیو کمپ» و « سانتیاگو برنابائو» دوخته شده است.

شور و هیجان الکلاسیکو در افغانستان نیز بی نظیر است. جوانان فوتبال دوست افغانستان از چندین روز قبل، بحث ها و جدل های فوتبالی را در فضای مجازی آغاز کرده بودند. نیش و کنایه های فوتبالی چند روز قبل و بعد از مسابقه الکلاسیکو در فضای مجازی رد و بدل می شد و بسیاری از جوانان به طرفداری از تیم مورد علاقه شان عکس های پروفایل فیسبوک خود را با رنگ پیراهن و لوگوی باشگاه، آراسته بودند و آرزو داشتنند که تیم مورد علاقه شان بازی را ببرد. برد و باخت این دو تیم همچنان که بخشی از فوتبال دوستان را خوشحال می کند، بخشی دیگر را نیزغمگین می سازد. طنزهای طعنه آمیز و پیام های تسلیت کنایه آمیزهواداران تیم برنده همواره برای طرفداران تیم بازنده، تلخ و درد ناک است؛ اما تماشای فوتبال با همین غم ها و شادی های کوچک اش زیبا است و سرگرمی سالمی است که هر انسان در هرگوشه ی از دنیا می تواند از آن لذت ببرد. ما از اسپانیا هزاران کلیومتر فاصله داریم، ولی فوتبال این فاصله را محو می سازد و درون خانه های ما وارد شده و ما را سرگرم می سازد و به ما شادی می بخشد.

مردم افغانستان سالهاست با جنگ و دود و باروت زندگی کرده اند و به دنبال بهانه های کوچک برای شاد بودن هستند؛ تماشای فوتبال نیز بهانه ی است برای شاد بودن. فوتبال حد اقل برای ۹۰ دقیقه ذهن ما را از خاطرات تلخ جنگ، ترور و انتحار و انفجار دور می سازد و توجه ما را به مستطیل سبز معطوف می کند؛ جایی که می تواند حد اقل حس شادی، شور و هیجان را به ما هدیه کند؛ چیزی که ما همیشه در زندگی خود نداشته ایم و تجربه نکرده ایم.

در سالهای اخیر همچنان که مردم افغانستان لیگ های معتبر فوتبال دنیا را تماشا می کنند، در داخل نیز حمایت گسترده از ورزش و بخصوص فوتبال و کریکیت صورت گرفته است. برد تیم های ملی فوتبال و کریکت باعث شده است که مردم خسته از جنگ افغانستان به خیابانها بیرون شوند و شادمانه به رقص و پایکوبی بپردازند؛ چیزی که در تاریخ افغانستان بی سابقه بوده است و هیچ رویدادی تا کنون نتوانسته بود همه ی مردم افغانستان را یکسان و یک رنگ شاد و خوشحال کند و اکنون فوتبال و ورزش این کار را انجام داده است.

جدا از زیبایی و اهمیت بازی دو تیم بارسلونا و رئال مادرید، لیونیل مسی و کرستیانورونالدو، دو ابر ستاره ی تیم های بارسلونا و رئال مادرید نیز در افغانستان هواداران خاص و سرسخت خود را دارند. این دو فوتبالیست رقیبان بی چون و چرای همدیگر در مستطیل سبزهستند و تقابل آنها نیز جذاب و دیدنی است، رقابت هواداران شان نیز دست کمی از رقابت خود آنها ندارد. بدون تردید آنها اسطوره های عصر حاضر هستند و در تمام دنیا جوانان زیادی رویایی مسی بودن و رونالدو بودن را در سر می پرورانند. بسیاری از جوانان افغانستان زندگی این دو بازیکن را بصورت دقیق دنبال می کنند و حتی سعی می کنند با پوشیدن لباس ورزشی آنها و تقلید از استایل موی شان، شبیه آنها شوند. داستان علاقه ی مرتضی احمدی کودک پنج ساله از ولایت غزنی به لیونل مسی هنوز بر سر زبانها است. در حقیقت مسی و رونالدو خوشبختی‌های دست نیافتنی و خیالی در آن سوی پرده شیشه‌ای هستند که خیلی از ماها این موضوع را به خوبی درک کرده‌ایم اما با وجود این هم با تمام وجود به این خوشبختی و خوشحالی آن سوی شیشه دل بسته‌ایم و به شدت خودمان را خوشبخت احساس می‌کنیم و این خوشبختی با همه ی خیالی و دست نیافتنی بودنش و با وجود آن‌که در آن سوی پرده شیشه‌ای قرار دارد، غنیمت بزرگی است برای نسلی که سال‌هاست با خوشبختی‌های حقیقی بیگانه بوده و لبخند زدن را فراموش کرده‌اند.

تقابل این دو اسطوره ی دنیای فوتبال و جدال تاریخی بارسلونا و رئال مادرید، اهمیت بازی الکلاسیکو را افزایش می دهد و حس هیجان و تعلیق آن را بالا می برد. بازی این دو تیم جدا از دنیای فوتبال، با سیاست نیز گره خورده است. تیم بارسلونا از ایالت استقلال طلب کاتالونیا است و تیم رئال مادرید از منطقه کاستیا در شهر مادرید پایتخت اسپانیا است. کاستیا و کاتالونیا اختلافات سیاسی عمیق و تاریخی دارند. در طول دوره حکومت جنرال ریورا و جنرال فرانکو(۱۹۳۹-۱۹۷۵) بیشتر مذاهب و زبانهای مختلف بجز در منقطه کاستیا سرکوب و تضعیف شدند. مردم ایالت کاتالونیا برای نشان دادن مخالف شان با جنرال فرانکو، به باشگاه بارسلونا پیوستند و به تیم شان لقب« فراتر از یک باشگاه» را دادند. باشگاه بارسلونا بخاطر این تحولات سیاسی به نماد کاتالانیسم تبدیل شد و فراز و فرودهای زیادی را پشت سرگذاشت.

در سالهای اخیر نیز چندین همه پرسی در اسپانیا بخاطر رسمیت دادن به استقلال ایالت کاتالونیا برگزار شده است و خیلی ها پیش بینی می کنند که مسابقه شنبه شب، آخرین الکلاسیکوی هردو تیم در چارچوب لیگ اسپانیا خواهد بود. بسیاری از بازیکنان تیم بارسلونا حامیان سرسخت استقلال ایالت کاتالونیا هستند. در زمانی که کارلوس پویول کاپیتان تیم بارسلونا بود همراه با جرارد پیکه مدافع تیم بارسلونا، بعد از ختم چندین بازی الکلاسیکو پرچم ایالت کاتالونیا را به اهتزاز در آوردند و حمایت شان را از استقلال ایالت کاتالونیا اعلان کردند.

رقابت شدید فوتبالی و سیاسی حس انتقامجویی دو تیم را بالا می برد و به همین دلیل الکلاسیکو به یکی از جذاب ترین بازی های فوتبال در سراسر دنیا تبدیل می شود؛ بازی که سرشار است از هیجان، تعلیق و شادی و غم.

فوتبال شباهت عجیب با سینما و فیلم دارد، جدا از شباهت های تصویربرداری و قهرمان سازی ها و حس هیجان و تعلیق؛ فیلم و فوتبال پدیده ی جمعی است و لذت تماشاهای آنها در جمع بیشتر است. همچنان که فیلم دیدن در جمع و در سالن تاریک سینما لذت منحصر به فرد دارد، فوتبال دیدن نیز در جمع لذت خاص دارد؛ لذت تماشای فوتبال یک طرف و لذت فریادها و جنجال ها در جریان مسابقه یک طرف دیگر. بسیاری از مردم دنیا تلاش می کنند که فوتبال را در استادیوم ورزشی و یا حتی در اسکرین های بزرگ ببینند، اما در افغانستان چون این زمینه فراهم نیست، اکثر جوانان سعی می کنند طوری هماهنگی کنند که در شب مسابقات مهم فوتبال دور هم باشند و فوتبال را بصورت جمعی تماشا کنند و از تماشای آن لذت جمعی ببرند. تجربه ی جمعی شادی و لذت در افغانستان؛ پدیده ی نادر و نو ظهور است و فوتبال به جوانان افغانستان، فرصت تجربه لذت جمعی را فراهم کرده است.

مردم افغانستان یکی از ناشادترین مردم دنیا است. عوامل مختلف باعث شده است که غم و رنج بر زندگی مردم غلبه کند و شادی را از زندگی آنها خارج سازد. جنگ، فقر و آوارگی عوامل بهم پیوسته ی هستند که سبب شده است مردم افغانستان از جمله ی غمگین ترین مردم دنیا باشند. اما نسل جوان افغانستان سعی می کنند به بهانه های هرچند کوچک با لشکر غم و اندوه مبارزه کنند و بنیاد آن را از زندگی شان برچینند؛ علاقه به ورزش و تماشای مسابقات ورزشی یکی از نشانه های این تلاش ها است.

کارتون روز

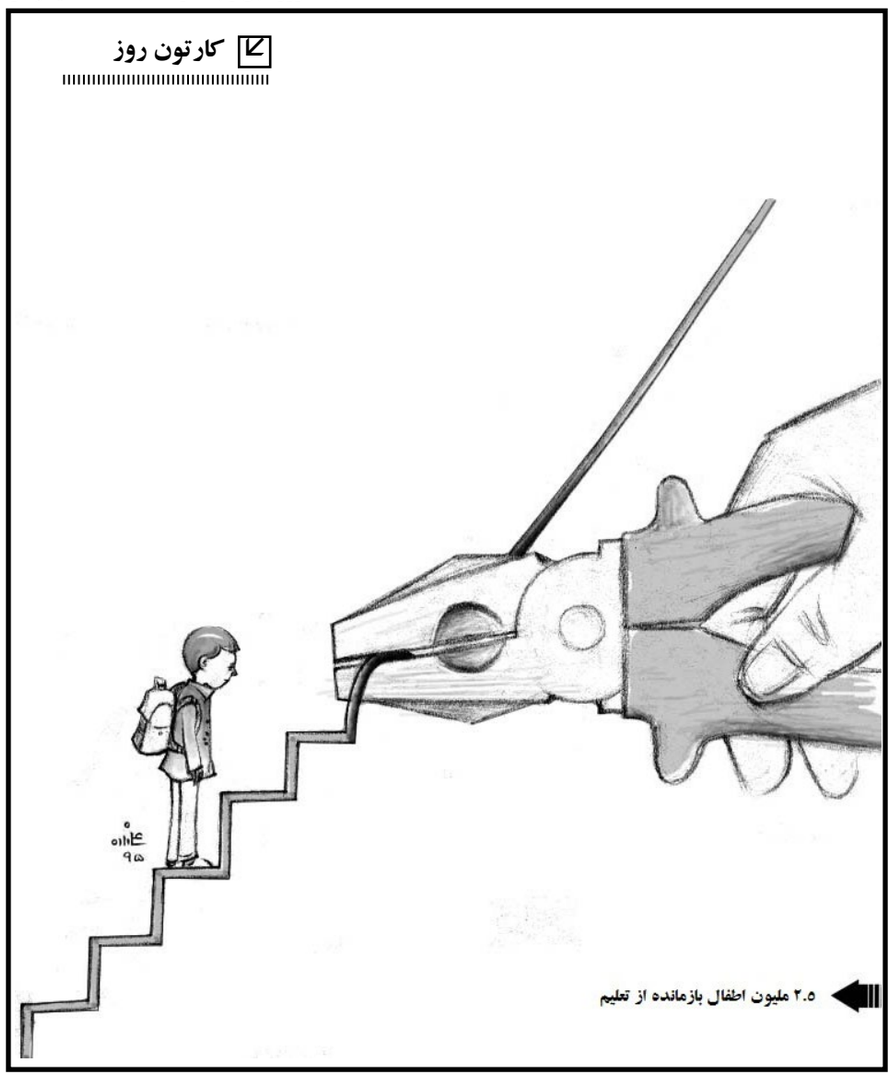

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

◇
روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
◇
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
◇
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com